گزارش یک

بهناز قاسمی

تهاترکالا به آفریقا می‌رسد

بخش خصوصی به دولت پیشنهاد کرده است بخشی از نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی را با تهاتر کالا از کشورهای آفریقایی تأمین کند

پیشنهاد بخش خصوصی برای تأمین بخشی از نهاده‌های دامی، کالاهای اساسی و مواد اولیه از کشورهای آفریقایی، الگوی جدیدی را پیش روی تجارت خارجی قرار داده است که بر مبنای آن، واردات این اقلام از مسیر تهاتر کالا انجام می‌شود و محصولات صنعتی ایران در مقابل به بازارهای آفریقایی راه می‌یابد. به باور کارشناسان، اجرای این پیشنهاد به تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، رفع محدودیت‌های مالی و پشتیبانی دولت از صادرکنندگان گره خورده است.

پیشنهاد بخش خصوصی برای تهاتر کالا با کشورهای آفریقایی، بحث تنوع‌بخشی به مبادی تأمین کالاهای اساسی را دوباره وارد فضای تصمیم‌گیری اقتصادی کرده و بر آن است که بخشی از نهاده‌های دامی، کالاهای اساسی و مواد اولیه مورد نیاز کشور از بازارهای آفریقایی تأمین و در مقابل، محصولات صنعتی ایران به این کشورها صادر شود. اگرچه این ایده هنوز در حد پیشنهاد است، اما از یک تغییر نگاه در تجارت خارجی حکایت دارد که بر استفاده از ظرفیت‌های کمتر مورد توجه قرار گرفته و کاهش وابستگی به مسیرهای متعارف واردات استوار است.

مبنای این پیشنهاد، هم‌پوشانی نیازهای دو طرف است و بسیاری از کشورهای آفریقایی تولیدکننده غلات، دانه‌های روغنی، خوراک دام، محصولات کشاورزی و مواد معدنی هستند و بخشی از همین اقلام در فهرست کالاهای وارداتی ایران قرار دارد. در مقابل، تولیدکنندگان ایرانی در بخش‌هایی مانند مصالح ساختمانی، تجهیزات صنعتی، محصولات پتروشیمی، دارو، ماشین‌آلات سبک و برخی کالاهای مصرفی، توان صادراتی قابل قبولی در اختیار دارند و قرار گرفتن این دو ظرفیت در کنار یکدیگر، زمینه مبادله‌ای را فراهم می‌کند که در آن هر طرف بخشی از نیازهای خود را از مسیر تجارت مستقیم تأمین کند.

تمرکز این پیشنهاد بر نهاده‌های دامی، از جایگاه این کالاها در اقتصاد کشور ناشی می‌شود، چراکه خوراک دام و طیور، حلقه نخست زنجیره تولید گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و لبنیات است و اختلال در تأمین آن، هزینه تولید را افزایش می‌دهد. از طرفی ایران سالانه حجم قابل توجهی ذرت، کنجاله سویا و سایر نهاده‌های دامی را وارد می‌کند و به همین دلیل، گسترش دامنه کشورهای تأمین‌کننده، قدرت انتخاب بیشتری برای واردکنندگان ایجاد خواهد کرد و هر میزان منابع تأمین متنوع‌تر باشد، امکان مدیریت بازار نیز افزایش پیدا می‌کند و وابستگی به چند کشور محدود کاهش می‌یابد.

در این میان، تهاتر کالا به عنوان ابزار اجرای این پیشنهاد مطرح شده است که در این شیوه، بخشی از ارزش کالاهای وارداتی از طریق صادرات کالاهای ایرانی تسویه می‌شود و نیاز به انتقال مستقیم ارز کاهش می‌یابد. بنابراین چنین الگویی، هزینه‌های مالی تجارت را پایین می‌آورد و سرعت انجام مبادلات را افزایش می‌دهد و هم‌زمان، شرکت‌های ایرانی فرصت پیدا می‌کنند حضور خود را در بازارهای تازه تثبیت کنند و صادرات را از چند مقصد سنتی فراتر ببرند.

تجارت بدون اتکای کامل به مبادلات ارزی

تهاتر، جایگزین تجارت متعارف نیست، اما در مبادلاتی که انتقال پول با هزینه یا محدودیت همراه است، کارکرد متفاوتی پیدا می‌کند، به طوری که در این روش، صادرکننده و واردکننده در قالب یک زنجیره مشترک فعالیت می‌کنند و ارزش کالاهای مبادله‌شده با یکدیگر تسویه می‌شود و همین ویژگی، نیاز به جابه‌جایی منابع مالی را کاهش می‌دهد و بخشی از هزینه‌های جانبی تجارت را حذف می‌کند. با وجود این مزیت، اجرای چنین مدلی به هماهنگی دقیق میان بخش‌های مختلف اقتصادی نیاز دارد و کالاهای قابل تهاتر باید از نظر کیفیت، استاندارد، زمان تحویل و ارزش اقتصادی قابلیت مبادله داشته باشند و قراردادهای تجاری نیز بر پایه سازوکارهای شفاف تنظیم شوند و طبعاً بدون فراهم شدن این الزامات، تهاتر نمی‌تواند به یک جریان پایدار در تجارت خارجی تبدیل شود.

از سوی دیگر، بازار آفریقا بازاری یکپارچه نیست و هر کشور ویژگی‌های اقتصادی، قوانین تجاری و نیازهای متفاوتی دارد و تولیدکنندگان ایرانی برای حضور موفق در این بازار، ناچارند شناخت دقیق‌تری از ظرفیت‌ها و نیازهای هر کشور به دست آورند و انتخاب شریک تجاری مناسب، شناخت مقررات وارداتی، دسترسی به شبکه توزیع و آگاهی از استانداردهای مورد نیاز، بخشی از مقدماتی است که موفقیت این الگو را تعیین می‌کند.

زیرساخت، شرط موفقیت تهاتر

بخش دیگری از این پیشنهاد به زیرساخت‌های تجارت مربوط می‌شود، چراکه فاصله جغرافیایی میان ایران و بسیاری از کشورهای آفریقایی، حمل کالا را به یکی از پرهزینه‌ترین بخش‌های مبادلات تبدیل کرده است و نبود خطوط منظم کشتیرانی، محدود بودن پروازهای مستقیم و طولانی بودن مسیر انتقال کالا، هزینه تمام‌شده صادرات و واردات را افزایش می‌دهد و قدرت رقابت شرکت‌های ایرانی را کاهش می‌دهد.

به همین دلیل، بخش خصوصی توسعه شبکه حمل‌ونقل را یکی از پیش‌نیازهای اجرای این پیشنهاد می‌داند و راه‌اندازی خطوط منظم دریایی، افزایش پروازهای تجاری، تقویت خدمات بندری و ایجاد مسیرهای پایدار حمل‌ونقل، زمان انتقال کالا را کاهش می‌دهد و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند و بدون چنین زیرساختی، حتی در صورت توافق تجاری، استمرار مبادلات با دشواری همراه خواهد بود.

حمایت‌های مالی و ضمانتی نیز بخش دیگری از نیازهای این طرح را تشکیل می‌دهد و شرکت‌هایی که برای نخستین بار وارد بازارهای آفریقایی می‌شوند، با ریسک‌های تجاری، هزینه‌های اولیه و نیاز به سرمایه در گردش بیشتری روبه‌رو هستند. بنابراین پوشش بیمه‌ای صادرات، ضمانت بازگشت مطالبات و تأمین مالی قراردادهای تجاری، بخشی از ابزارهایی است که حضور بخش خصوصی را تقویت می‌کند و انگیزه ورود به بازارهای جدید را افزایش می‌دهد.

در مجموع پیشنهاد تهاتر کالا با کشورهای آفریقایی، بیش از آنکه یک راهکار کوتاه‌مدت برای تأمین نهاده‌های دامی باشد، تلاشی برای تغییر مسیر بخشی از تجارت خارجی کشور است و موفقیت این پیشنهاد به پذیرش آن از سوی دولت، فراهم شدن زیرساخت‌های حمل‌ونقل، پشتیبانی مالی و شناخت دقیق بازارهای هدف وابسته است و در صورت تحقق این الزامات، آفریقا می‌تواند به یکی از مسیرهای تازه تأمین کالاهای مورد نیاز کشور و هم‌زمان به مقصدی برای توسعه صادرات محصولات صنعتی ایران تبدیل شود که تنوع بیشتری به روابط تجاری ایران خواهد داد و ظرفیت‌های مغفول‌مانده دو طرف را به جریان مبادلات اقتصادی پیوند خواهد زد.

دیوان محاسبات بالاخره آستین‌ها را بالا زد

نگاه

هادی اسماعیلی

روز شنبه در مطلبی باعنوان «مجلس دولت را مکلف به اجرای قانون تأمین مالی تولید کند» تأکید کردیم که مطالبه امروز بخش تولید، اجرای قانونی است که ظرفیت‌های آن پیش‌تر در قالب قانون «تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» پیش‌بینی شده و بخش مهمی از احکام آن هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. حالا از دیوان محاسبات به عنوان بازوی نظارتی مجلس شورای اسلامی خبر می‌رسد که در راستای تحقق شعار سال و با توجه به نقش قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها در حمایت از تولید و توسعه سرمایه، هیئت فرادستگاهی «تولید» در دیوان محاسبات کشور تشکیل داده است و این هیئت حسابرسی تولید با رویکرد حسابرسی عملکرد، اجرای قانون تأمین مالی تولید را در دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط بررسی خواهد کرد.

قانون «تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» از معدود قوانینی است که صرفاً یک دستگاه اجرایی را مخاطب قرار نمی‌دهد و اجرای احکام این قانون به مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی از جمله وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، شبکه بانکی، سازمان بورس، دستگاه‌های اجرایی، صندوق‌های ضمانت، سازمان ثبت، نهادهای اعتبارسنجی و حتی بخش خصوصی وابسته است و به همین دلیل، وقفه در اجرای تکالیف یک دستگاه، عملاً زنجیره اجرای قانون را با اختلال روبه‌رو می‌کند و همین ویژگی، ضرورت نظارت فرادستگاهی را بیش از گذشته آشکار می‌سازد که خوشبختانه دیوان محاسبات برای زمین نماندن این قانون، بالاخره آستین‌ها را بالا زده است.

انتخاب «حسابرسی عملکرد» به عنوان مبنای ارزیابی اجرای قانون، تفاوت ماهوی با حسابرسی مالی دارد، چراکه حسابرسی مالی به انطباق هزینه کرد منابع با قوانین و مقررات می‌پردازد، اما حسابرسی عملکرد، میزان تحقق اهداف قانون را ارزیابی می‌کند. به بیان دیگر، دغدغه اصلی این نیست که اعتبارات چگونه هزینه شده‌اند، بلکه مسئله آن است که آیا دستگاه‌های مسئول، تکالیفی را که قانون برعهده آنان گذاشته است، در موعد مقرر، با کیفیت لازم و در چارچوب اهداف پیش‌بینی‌شده اجرا کرده‌اند؟

طبعاً این تفاوت، اهمیت ویژه‌ای در اجرای قانون تأمین مالی تولید دارد، زیرا بخش قابل توجهی از احکام این قانون، اساساً ماهیت مالی ندارند و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی، راه‌اندازی سامانه‌های اعتبارسنجی، اصلاح نظام وثایق، توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی، گسترش تأمین مالی زنجیره‌ای، تقویت نقش بازار سرمایه، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی، مولدسازی دارایی‌های دولت و ایجاد بسترهای حقوقی برای توسعه ابزارهای تضمین، مجموعه‌ای از تکالیفی است که تحقق آنها صرفاً با بررسی صورت‌های مالی قابل ارزیابی نیست و نیازمند سنجش عملکرد دستگاه‌های مسئول است.

همین موضوع، قانون تأمین مالی تولید را از بسیاری از قوانین اقتصادی متمایز می‌کند، چراکه برای حل یک مسئله ساختاری تدوین شده است که سال‌هاست تولیدکنندگان با آن روبه‌رو هستند و تأمین مالی همچنان نخستین دغدغه بنگاه‌های اقتصادی به شمار می‌رود و هرگاه دسترسی به سرمایه دشوار شود، آثار آن در کاهش سرمایه‌گذاری، تعویق طرح‌های توسعه، فرسودگی خطوط تولید، افزایش هزینه تمام‌شده و افت قدرت رقابت بنگاه‌ها آشکار می‌شود. بنابراین قانون‌گذار با همین نگاه تلاش کرد مسیر تأمین سرمایه را از وابستگی کامل به تسهیلات بانکی خارج کند و ابزارهای متنوع‌تری را وارد چرخه اقتصاد کند.

واقعیت آن است که شبکه بانکی به تنهایی قادر به پاسخگویی همه نیازهای مالی بخش تولید نیست، چراکه محدودیت منابع، ناترازی ترازنامه بانک‌ها، مطالبات غیرجاری و الزامات نظارتی، ظرفیت بانک‌ها را برای تأمین مالی مستقیم محدود کرده است. لکن قانون تأمین مالی تولید دقیقاً برای اصلاح همین ساختار، ابزارهایی مانند اوراق مالی، تأمین مالی زنجیره‌ای، توسعه بازار سرمایه، صندوق‌های تخصصی، اعتبارسنجی، تسهیل وثایق و توسعه نهادهای ضمانت‌گر را پیش‌بینی کرده است تا جریان سرمایه از مسیرهای متنوع‌تری به سمت فعالیت‌های مولد هدایت شود.

با وجود این ظرفیت‌ها، بخشی از احکام قانون همچنان در مرحله اجرا متوقف مانده است و برخی آیین‌نامه‌ها با تأخیر تدوین شده، یا تعدادی از تکالیف دستگاه‌ها عملیاتی نشده و هماهنگی لازم میان نهادهای مسئول هنوز به شکل کامل شکل نگرفته است. پس نتیجه قهری چنین وضعیتی آن است که تولیدکننده همچنان بخش مهمی از مشکلات گذشته را در دسترسی به منابع مالی تجربه می‌کند؛ در حالی که ظرفیت حقوقی رفع بخشی از این مشکلات، پیش‌تر در متن قانون پیش‌بینی شده است.

به هر روی اقتصاد کشورمان در مقطع کنونی که درگیر دفاع مشروع در برابر جنگ تحمیلی بدذات‌ترین جانورهای عصر حاضر یعنی رژیم کودک‌خوار امریکا و رژیم کودک‌کش صهیونیستی است، بیش از هر زمان دیگری به افزایش سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها و رشد تولید نیاز دارد و تحقق این اهداف، بدون اصلاح نظام تأمین مالی امکان‌پذیر نیست و اصلاح این نظام نیز الزاماً به تصویب قوانین جدید وابسته نیست، چراکه ظرفیت‌های حقوقی لازم، پیش‌تر در قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها پیش‌بینی شده است و آنچه امروز تعیین‌کننده خواهد بود، سرعت اجرای احکام، میزان هماهنگی دستگاه‌های مسئول و استمرار نظارت بر اجرای قانون است.

گزارش ۲

زینب زرین

در راستای اجرای قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها

دولت پرداخت بخشی از بدهی بنگاه‌ها را تسهیل کرد

دستگاه‌های اجرایی موظف شدند ۲۰ تا ۵۰ درصد مطالبات مشمول را با اوراق گام و برات الکترونیکی تسویه کنند

گردش اعتبار در زنجیره تولید با اصلاح آیین‌نامه پذیرش اوراق گام وارد مرحله جدیدی شده است که بر اساس آن دستگاه‌های اجرایی موظف شدند بخشی از مطالبات خود را با این ابزار مالی تسویه کنند و برات الکترونیکی زنجیره تولید نیز به دامنه این مقررات افزوده شد که استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی را در تعامل میان دولت و بنگاه‌های اقتصادی گسترش می‌دهد و اجرای قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها را یک گام به پیش می‌برد.

اصلاح آیین‌نامه اجرایی پذیرش اوراق گواهی اعتبار مولد، یکی از تغییرات اساسی در حوزه تأمین مالی زنجیره تولید به شمار می‌رود که چارچوب استفاده از اوراق گام را در تعامل میان فعالان اقتصادی و دستگاه‌های اجرایی بازنگری کرده است و بخشی از ابهام‌های موجود در نحوه پذیرش این ابزار مالی را با هدف افزایش کارایی ابزارهای اعتباری در مبادلات اقتصادی و کاهش وابستگی بنگاه‌های تولیدی به تأمین مالی نقدی برطرف می‌کند.

اوراق گواهی اعتبار مولد یا «گام» ابزاری است که بانک‌ها برای تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی صادر می‌کنند و در این سازوکار، تولیدکننده به جای دریافت تسهیلات نقدی، اعتبار لازم برای خرید مواد اولیه، قطعات یا کالاهای واسطه‌ای را در قالب اوراق دریافت می‌کند و فروشنده نیز اختیار دارد این اوراق را تا سررسید نزد خود نگه دارد یا پیش از موعد، آن را از طریق شبکه بانکی یا بازار سرمایه تنزیل کند و به منابع نقدی دسترسی پیدا کند. به همین دلیل، جریان تأمین مالی بدون تزریق مستقیم پول ادامه می‌یابد و سرمایه در همان زنجیره تولید گردش پیدا می‌کند.

با وجود آنکه اوراق گام طی سال‌های گذشته در نظام بانکی مورد استفاده قرار گرفته بود، دامنه کاربرد آن در تعامل با دستگاه‌های اجرایی محدود بود. بنابراین اصلاحیه جدید، این محدودیت را تا حد زیادی برطرف کرده است و مطابق آیین‌نامه، دستگاه‌های اجرایی موظف هستند حداقل ۲۰ درصد و حداکثر ۵۰ درصد مطالبات خود از اشخاص حقیقی و حقوقی را از طریق اوراق گام به قیمت اسمی بپذیرند و تسویه کنند و همین اصلاح حکم، جایگاه اوراق گام را در مبادلات اقتصادی ارتقا می‌دهد و امکان استفاده از آن را در پرداخت بدهی‌ها افزایش می‌دهد.

موضوع دیگری که در اصلاحیه مورد توجه قرار گرفته، زمان سررسید اوراق است، به طوری که بر اساس مقررات جدید، دستگاه‌های اجرایی موظف هستند اوراقی را که حداکثر سه ماه تا سررسید آنها باقی مانده است، تا پایان بهمن سال مالی به قیمت اسمی بپذیرند. پذیرش اوراق با سررسید بیش از سه ماه تا حداکثر شش ماه نیز تا پایان همان سال مالی امکان‌پذیر خواهد بود و تعیین این چارچوب، تکلیف دستگاه‌های اجرایی و فعالان اقتصادی را در فرآیند تسویه مطالبات روشن‌تر کرده است.

برات الکترونیکی به آیین‌نامه اضافه شد

یکی دیگر از مهم‌ترین اصلاحات انجام‌شده، تعمیم مقررات آیین‌نامه به برات الکترونیکی زنجیره تولید است و بر این اساس، دستگاه‌های اجرایی مجاز خواهند بود در کنار اوراق گام، برات الکترونیکی را نیز در چارچوب شیوه‌نامه مربوط برای تسویه مطالبات بپذیرند. همچنین سهم ۲۰ تا ۵۰ درصدی تعیین‌شده، به صورت مجموع اوراق گام و برات الکترونیکی محاسبه خواهد شد. بنابراین این تغییر، دامنه استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی را توسعه می‌دهد و انعطاف بیشتری در انتخاب روش تسویه برای بنگاه‌های اقتصادی ایجاد می‌کند.

اصلاحیه جدید، یک تغییر مهم دیگر نیز در بر دارد که بر اساس آن، هزینه تنزیل ابزارهای تأمین مالی زنجیره تولید، از جمله اوراق گام و برات الکترونیکی، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی شناخته شده است. این موضوع برای بنگاه‌هایی که به نقدینگی فوری نیاز دارند، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در صورت تنزیل اوراق پیش از سررسید، هزینه پرداخت‌شده در محاسبات مالیاتی آنان نیز مورد پذیرش قرار خواهد گرفت و این تصمیم، بخشی از هزینه استفاده از ابزارهای اعتباری را کاهش می‌دهد و انگیزه بهره‌گیری از این روش را افزایش می‌دهد.

بنابراین اصلاح آیین‌نامه را باید در چارچوب اجرای قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها ارزیابی کرد که توسعه تأمین مالی زنجیره‌ای را یکی از محورهای اصلی خود قرار داده و تلاش کرده است وابستگی بنگاه‌ها به تسهیلات نقدی را کاهش دهد و ابزارهای اعتباری را به جای پرداخت مستقیم پول وارد چرخه تولید کند. اوراق گام نیز یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیش‌بینی‌شده برای تحقق همین هدف است.

تأمین مالی زنجیره‌ای بر این اصل استوار است که اعتبار در مسیر واقعی تولید گردش پیدا کند و در این الگو، اعتبار از حلقه تأمین مواد اولیه تا تولید، توزیع و فروش کالا جریان می‌یابد و نیاز بنگاه‌ها به دریافت تسهیلات نقدی کاهش پیدا می‌کند و نتیجه این فرآیند، افزایش سرعت گردش سرمایه، کاهش هزینه تأمین مالی و استفاده بهینه‌تر از منابع شبکه بانکی است.

گامی برای تقویت تأمین مالی زنجیره‌ای

کارشناسان اقتصادی معتقدند اگر ابزارهای اعتباری در تعامل میان بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی کاربرد بیشتری پیدا کنند، سهم تأمین مالی زنجیره‌ای نیز در اقتصاد افزایش خواهد یافت و پذیرش اوراق گام از سوی دستگاه‌های اجرایی، اعتبار این ابزار را در مبادلات اقتصادی تقویت می‌کند و امکان استفاده گسترده‌تر از آن را در روابط مالی میان بنگاه‌ها و دولت فراهم می‌سازد.

البته موفقیت این اصلاحیه به اجرای دقیق آن وابسته است و دستگاه‌های اجرایی باید فرآیند پذیرش اوراق را در موعد مقرر عملیاتی کنند و هماهنگی لازم میان شبکه بانکی، خزانه‌داری، سازمان امور مالیاتی و سایر دستگاه‌های مرتبط نیز شکل بگیرد و اگر این هماهنگی کامل‌تر باشد، استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی نیز با سرعت بیشتری توسعه پیدا خواهد کرد.

در مجموع اصلاح آیین‌نامه پذیرش اوراق گام، بخشی از مسیر توسعه تأمین مالی زنجیره‌ای را هموار می‌کند و گسترش پذیرش این ابزار، توسعه برات الکترونیکی و پذیرش هزینه تنزیل به عنوان هزینه مالیاتی، سه تغییر مهم این اصلاحیه به شمار می‌رود که در صورت اجرای کامل، دسترسی بنگاه‌های تولیدی به ابزارهای اعتباری را تسهیل خواهد کرد و نقش ابزارهای نوین مالی را در اقتصاد افزایش خواهد داد.

گفت‌وگو

حسام کمالی

گفت‌وگوی «جوان» با رحمان سعادت عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه سمنان

افزایش مبلغ وام اشتغال از ۲۰۰ به ۳۵۰ میلیون تومان ضروری است

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه سمنان معتقد است افزایش مبلغ فردی وام اشتغال به ۳۵۰ میلیون تومان و تسهیل شرایط بازپرداخت و افزایش مدت زمان پرداخت اقساط جزو اصلی‌ترین اقدامات موردانتظار از سوی بانک مرکزی برای وام اشتغال مددجویان در جهت اجرای قانون بودجه ۱۴۰۵ است.

وام اشتغال با این هدف در قانون بودجه ۱۴۰۵ پیش‌بینی شد که زمینه‌ساز توانمندسازی اقشار ضعیف و به ویژه مددجویان نهادهای حمایتی باشد. به زعم کارشناسان، در صورتی این هدف محقق می‌شود که مبلغ وام کفاف راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید یا سهیم شدن مددجویان در پنل‌های خورشیدی را بدهد. از سوی دیگر، این موضوع اهمیت دارد که مبالغ به موقع در اختیار متقاضیان و به ویژه مددجویان نهادهای حمایتی قرار بگیرد. کارشناسان بر این باورند که اعطای دیرهنگام تسهیلات در واقع به معنای آب رفتن اعتبارات است و گرهی از مشکلات متقاضیان و مددجویان باز نمی‌کند. وام اشتغال اگر کفاف راه‌اندازی یک کسب‌وکار یا سهیم شدن مددجویان در پنل‌های خورشیدی را ندهد، عملاً زمینه برای دسترسی اقشار ضعیف جامعه به درآمد پایدار فراهم نمی‌شود. این به معنای عدم توانایی افراد برای بازپرداخت تسهیلات است که مشکلات جدی برای دولت و خانواده‌ها به وجود می‌آورد. به طور کلی، اگر وام اشتغال مددجویان با در نظر گرفتن ملاحظات خاصی مانند افزایش مبلغ وام متناسب با تورم و اعطای به موقع پرداخت نشود، عملاً کارآیی لازم را ندارد و به جای اینکه مشکلی را حل کند، بر مشکلات مددجویان اضافه می‌کند.

مبلغ وام اشتغال متناسب با تورم افزایش پیدا کند

رحمان سعادت، عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه سمنان، در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به این موضوع که یکی از ویژگی‌های قانون بودجه انعطاف‌پذیری آن است، تصریح کرد: وقتی مدیران مالی کشور به این جمع‌بندی می‌رسند که مبالغ پیش‌بینی شده در قانون بودجه برای موضوع در نظر گرفته شده، کفایت نمی‌کنند، طبیعی است که باید مبلغ تسهیلات متناسب با تورم افزایش پیدا کند. واقعیت است که بر اثر تورم هزینه‌ها به شدت بالا رفته است و بر همین اساس، باید مبلغ وام اشتغال نیز افزایش پیدا کند. وی ادامه داد: طبیعی است که مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان در شرایط تورمی فعلی برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید یا سهیم شدن مددجویان در پنل‌های خورشیدی کفایت نمی‌کند. بر همین اساس، نیازمند افزایش مبلغ وام اشتغال از ۲۰۰ به ۳۵۰ میلیون تومان هستیم. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه سمنان خاطرنشان کرد: وقتی مبلغ تسهیلات تناسبی با هزینه‌ها نداشته باشد، عملاً هدف قانون‌گذار مبنی بر کمک به جامعه هدف در آن موضوع خاص محقق نمی‌شود. از طرف دیگر باید شرایط بازپرداخت نیز تسهیل شود؛ بنابراین افزایش مبلغ فردی وام اشتغال به ۳۵۰ میلیون تومان و تسهیل شرایط بازپرداخت و افزایش مدت زمان پرداخت اقساط جزو اصلی‌ترین اقدامات موردانتظار از سوی بانک مرکزی برای وام اشتغال مددجویان در جهت اجرای قانون بودجه ۱۴۰۵ است. سعادت گفت: هدف از پیش‌بینی وام اشتغال در قانون بودجه این است که به اقشار ضعیف جامعه کمک شود تا به درآمد پایداری دست پیدا کنند و معیشت‌شان تقویت شود. وقتی مبلغ وام اشتغال به اندازه‌ای نیست که برای راه‌اندازی کسب‌وکار جدید یا سهیم شدن مددجویان در پنل‌های خورشیدی کفاف بدهد، عملاً گرهی از مشکلات مردم باز نمی‌شود. وی ادامه داد: اعطای وام اشتغال به میزان ناکافی باعث می‌شود که دریافت‌کنندگان تسهیلات نتوانند به بازپرداخت مبالغ بپردازند. به این ترتیب، از یک سو برای خانواده‌ها مشکل ایجاد می‌شود و بدهکار می‌شوند و از طرف دیگر، بار مالی دولت بیشتر می‌شود. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه سمنان خاطرنشان کرد: لازم است مبلغ وام اشتغال به نحوی افزایش پیدا کند که ضمن توانمندسازی اقشار ضعیف، زمینه برای بی‌نیازی آنان به کمک‌های دولتی به وجود بیاید. وی ادامه داد: اعطای به موقع وام اشتغال نیز موضوع مهمی است. درست است که در شرایط جنگی بوده‌ایم و بر اثر این موضوع می‌توان بخشی از تأخیر در پرداخت وام اشتغال را توجیه کرد. اما اینکه سه ماهه اول سال سپری شده است، اما هنوز سهمیه بانک‌ها از وام اشتغال مشخص نشده و تأمین اعتبار صورت نگرفته، نشان‌دهنده عدم توجه مسئولان به این مسئله مهم است. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه سمنان خاطرنشان کرد: بر اثر جنگ، مجلس عملاً تعطیل شد و جلسات نمایندگان به صورت غیرحضوری انجام می‌شد. این امر نیز در عدم نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها برای اعطای وام اشتغال مؤثر بود. باید به سرعت نظارت‌های لازم صورت بگیرد و پرداخت به موقع وام اشتغال به ویژه برای مددجویان نهادهای حمایتی مدنظر باشد. وی ادامه داد: بر اثر جنگ تحمیلی اخیر کسب‌وکارها صدمه دیدند و معیشت مردم نیز دچار آسیب شد. بر همین اساس، نیاز است هر چه سریع‌تر پرداخت وام اشتغال انجام شود و هدایت اعتبارات به حوزه‌های مولد و مؤثر اقتصادی در دستور کار باشد.

نکته

سقوط صنعت مسکن در سایه بی‌عملی اجرایی

سقوط بخش ساختمان در اقتصاد این روزها یکی از عمیق‌ترین افت‌های تولید شده و نشانه‌های آن در کاهش فعالیت‌های عمرانی و افت سرمایه‌گذاری ساختمانی به‌وضوح قابل مشاهده است. بر اساس داده‌های بانک مرکزی، رشد منفی ۱۵/۸ درصدی این بخش ثبت شده و روند نزولی آن در طول سال با شدت‌های متفاوت در فصول مختلف ادامه یافته و در برخی مقاطع به مرزهای بالاتر از ۲۰ درصد نیز نزدیک شده است.

همچنین فاصله میان کاهش تولید و جهش قیمت مسکن به‌وضعیت نامتوازن بازار منجر شده و در برخی مناطق افزایش تا ۸۰ درصدی قیمت‌ها ثبت شده و همین شکاف عمیق میان عرضه و تقاضا فشار مضاعفی بر خانوارها وارد کرده است. بازار معاملات نیز در مسیر نزولی قرار گرفته و حجم خرید و فروش به کمترین سطح سه سال اخیر رسیده و رکود معاملاتی به گونه‌ای شکل گرفته است که بخش قابل توجهی از فایل‌های عرضه‌شده بدون مشتری باقی مانده‌اند. بخش ساختمان با پیوند گسترده با دهها صنعت و ایجاد فرصت‌های شغلی قابل توجه، در سال جاری نقش محرک خود را از دست داده و به عامل فشار بر اشتغال تبدیل شده و کاهش پروژه‌های جدید آثار مستقیم بر صنایع وابسته مانند سیمان، فولاد و خدمات فنی برجای گذاشته است. از طرفی محدودیت منابع مالی و ناتوانی شبکه بانکی در تأمین اعتبار پروژه‌های بزرگ، اجرای هدف ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی را با بن‌بست عملی روبه‌رو کرده و بسیاری از طرح‌های نیمه‌تمام را در وضعیت توقف یا کندی شدید قرار داده است. برخی کارشناسان، تمرکز سیاست‌گذار بر هدف‌گذاری عددی بدون پشتوانه مالی پایدار را عامل اصلی انحراف از مسیر توسعه ساخت‌وساز ارزیابی کرده‌اند و این رویکرد را فاقد سازوکار اجرایی متناسب با ظرفیت نظام بانکی و بودجه عمومی دانسته‌اند. در مقابل، گروهی دیگر واگذاری زمین دولتی، تسهیل مقررات و ورود بخش خصوصی را راهکار جبران کمبود عرضه و کاهش هزینه ساخت دانسته‌اند و بر این نکته تأکید کرده‌اند که استفاده از دارایی‌های زمین می‌تواند جایگزین بخشی از فشار مالی دولت شود. آنچه قطعی است اینکه ادامه این وضعیت فاصله میان قدرت خرید و قیمت مسکن را افزایش داده و بازار را در مسیر فرسایش توان تقاضا قرار داده و بخش قابل توجهی از متقاضیان واقعی را از چرخه خرید خارج کرده است. بنابراین فقدان سیاست مالی منسجم در حوزه مسکن، تبعات خسارت‌باری بر رشد اقتصادی و اشتغال شهری تحمیل کرده و آثار آن در کاهش گردش سرمایه در بخش‌های وابسته و افت فعالیت‌های تولیدی مرتبط قابل پیگیری است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب مهدی اله یاری فرزند علی به شماره شناسنامه ۳۳۰۱۷ صادره از تهران در مقطع کارشناسی پیوسته رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی رودهن با شماره سریال ۱۲۸۳۱۱۳۰۱۵۷۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن به نشانی رودهن ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ارسال نماید.

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۲۷۹۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۳۰ هیات اول متقاضی آقای پرویز جهانبانی به شناسنامه شماره ۲ کدملی ۱۱۸۹۷۵۱۱۹۴ صادره فرزند علی در قسمتی نسبت به ششدانگ یکباب خانه پلاک شماره فرعی ۱۵۱۷۸ اصلی واقع در بخش ۱۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان به مساحت ۱۳۶/۵۰ متر مربع مالک رسمی آقای رضا ناعم اصفهانی به موجب سند ۳۰۴۳۴ مورخ ۵۱/۱۲/۳۰ دفترخانه ۹ اصفهان که مورد درخواست مع الواسطه به موجب قولنامه عادی به متقاضی واگذار شده و تعدادی از شهود آن را تایید نموده اند ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸
شناسه آگهی ۲۲۰۲۸۲۲
حسین زمانی - رییس اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان